

به نام خدا

گزارش وضعیت ازدواج و طلاق در ایران

مجتبی سبحانی^۱

مقدمه

ارائه گزارش‌های آماری در حوزه مسائل اجتماعی از جمله موضوع ازدواج و طلاق عمدتاً محل مناقشه و بحث در کشور بوده است. بدین خاطر که نوع تفاسیر و مفروضات وارد شده در شاخص‌ها و سنجه‌های مورد نظر، می‌تواند منجر به ارائه آمار و ارقام متفاوتی گردد، به گونه‌ای که برخی از آنها وضعیت را بحرانی و برخی دیگر نیز اوضاع را عادی جلوه می‌دهند.

در این نوشتار سعی بر آن است تا ضمن اتخاذ نگرشی علمی و بی‌طرفانه، به بررسی روند کلی ازدواج و طلاق در کشور پرداخته شده و سپس نسبت میان آن دو واکاوی گردد.

گزارش روند ازدواج در ایران

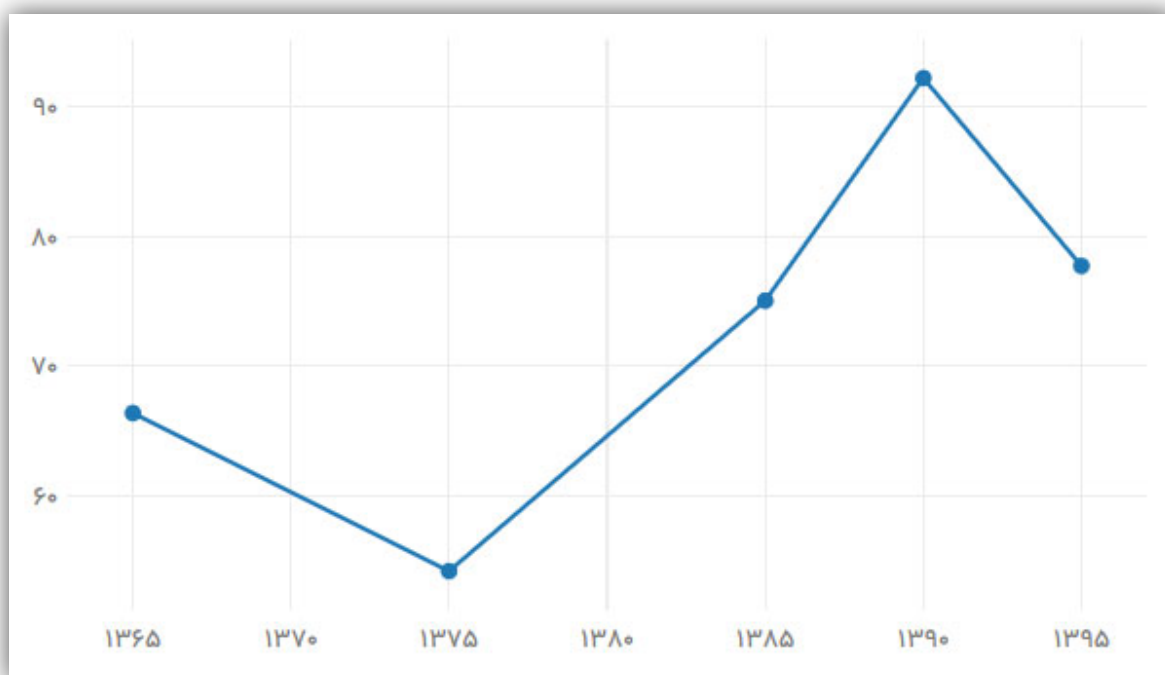
مراجع آماری، میزان ازدواج را به سه صورت گزارش می‌کنند:

- میزان خام ازدواج یا تعداد ازدواج‌های صورت گرفته
- میزان عمومی ازدواج یا تعداد ازدواج‌های صورت گرفته در هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت کشور
- میزان خالص ازدواج یا تعداد ازدواج‌های صورت گرفته در هر ۱۰۰۰ زن هرگز ازدواج‌نکرده در کشور

از میان ۳ شاخص بالا، میزان خام ازدواج نمی‌تواند تصویر درستی از روند ازدواج طی سالیان مختلف را نشان دهد، چرا که جمعیت کشور سال به سال در حال تغییر و افزایش است و این تغییر در میزان ازدواج نیز تاثیرگذار است؛ مساله‌ای که در میزان خام ازدواج اصلاً در نظر گرفته نمی‌شود. شاخص بعدی میزان عمومی ازدواج است. این شاخص با وجود آنکه تاثیر تغییرات جمعیتی را در خود لحاظ نموده است، اما باز هم گویای تصویر روشنی از روند ازدواج در کشور نیست، زیرا بخش قابل توجهی از جمعیت کشور مثل خردسالان و یا زنان متأهل، اصولاً در معرض ازدواج قرار ندارند و تغییرات این بخش جمعیتی بر میزان عمومی ازدواج تاثیرگذار است.

در نهایت شاخص میزان خالص ازدواج یا ازدواج بازتعریف شده می‌تواند تصویر نسبتاً کاملی را از روند ازدواج در کشور ارائه دهد. چرا که صرفاً تاثیر تغییرات جمعیتی بخشی از جامعه را که در معرض ازدواج قرار دارند بررسی می‌کند و به سایر بخش‌ها کاری ندارد. طبق قرارداد، جامعه در معرض ازدواج، زنان هرگز ازدواج‌نکرده کشور هستند.

نمودار زیر روند خالص ازدواج را در کشور طی ۳۰ سال گذشته بر اساس آمار ثبتی نشان می‌دهد:



همان‌گونه که در نمودار مشخص است، میزان خالص ازدواج ابتدا طی روندی نزولی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۵ از ۶۶٫۴ به ۵۴٫۲ ازدواج در هر هزار زن هرگز ازدواج‌نکرده می‌رسد، اما پس از آن طی روندی افزایشی تا سال ۱۳۹۰ به بالاترین میزان خود یعنی ۹۲٫۲ ازدواج در هر هزار زن هرگز ازدواج‌نکرده دست می‌یابد، اما باز دوباره این میزان کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵، به ۷۷٫۷ ازدواج در هر هزار زن هرگز ازدواج‌نکرده می‌رسد.

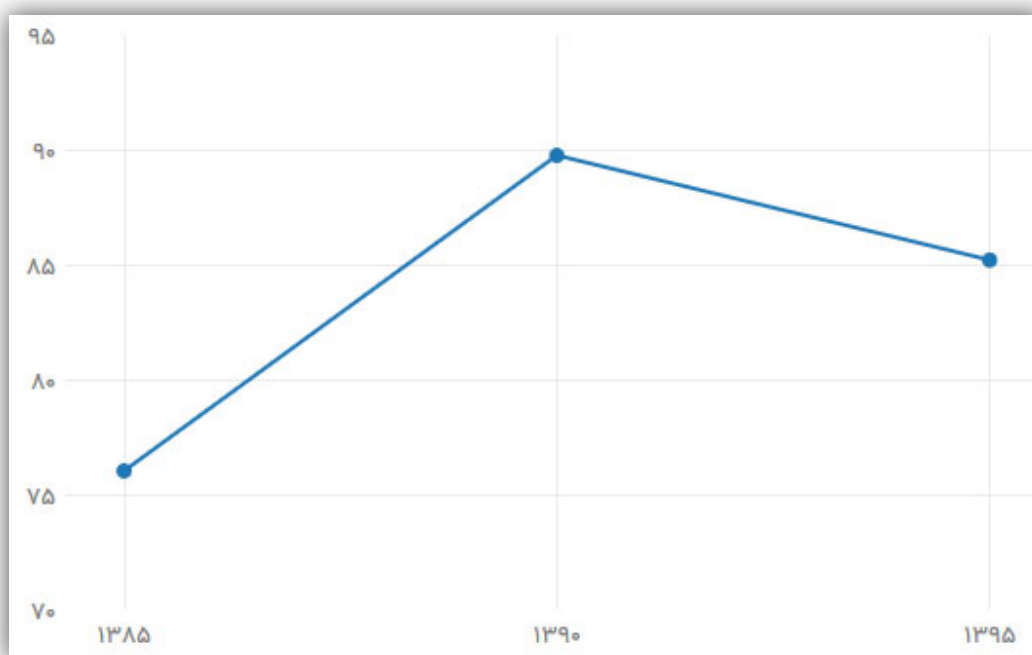
در تحلیل این روند نقش جامعه مولید دهه ۶۰ بسیار پررنگ است. بدین صورت که از سال ۶۵ تا سال ۷۵ به مرور مولید دهه ۶۰ وارد چرخه ازدواج می‌شوند اما هنوز طیف وسیعی از آنان ازدواج نکرده اند، به همین خاطر

۲ در ازدواج بازتعریف‌شده، تعداد ازدواج و تعداد زنان هرگز ازدواج‌نکرده، برای افراد ۱۰ ساله و بالاتر محاسبه می‌شود. نکته مهم در اینجا سهم بالای افراد ۱۰ تا ۱۴ ساله در بین افراد هرگز ازدواج‌نکرده است. در مقابل اما سهم ازدواج در این بازه سنی محدود است.

میزان خالص ازدواج تا سال ۷۵ کاهش می‌یابد. اما پس از سال ۷۵ مولید دهه ۶۰ به تدریج در سن ازدواج قرار گرفته و تا ۱۵ سال بعد یعنی سال ۹۰ میزان خالص ازدواج به بیشترین مقدار خود می‌رسد. به عبارتی تا سال ۹۰ طیف وسیعی از افراد این جامعه که تمایل به ازدواج داشتند، ازدواج کرده‌اند. پس از سال ۹۰ با کاهش افراد مجرد و یا متمایل به ازدواج در جامعه مولید دهه ۶۰، میزان خالص ازدواج نیز کاهش می‌یابد.

در تحلیل فوق، نقش تغییر ساختار سنی جمعیت به عنوان یک متغیر جمعیتی در روند ازدواج بررسی شد. به عبارتی در حالت خوش‌بینانه می‌توان گفت که تغییر روند ازدواج طی ۳۰ سال گذشته تا حد زیادی به خاطر تغییر ساختار سنی جمعیت؛ یعنی ورود و خروج مولید دهه ۶۰ به چرخه ازدواج است. اما آیا تغییر روند ازدواج صرفاً به همین دلیل است؟

برای یافتن پاسخ این سوال، با انجام محاسبات آماری، تاثیر ساختار سنی جمعیت از روند ازدواج حذف گردید. نمودار زیر روند ازدواج خالص را طی ۱۰ سال گذشته با حذف تاثیر ساختار سنی جمعیت نشان می‌دهد:



همان‌گونه که مشاهده می‌شود، شیب نمودار هم در سمت صعودی و هم در سمت نزولی خود تعدیل یافته و مقادیر خالص ازدواج به هم نزدیک‌تر شده است، اما همچنان روند کلی نمودار با حالت قبل یکسان است. پس می‌توان نتیجه گرفت که عامل دیگری نیز در این میان دخیل است.

با بررسی دقیق‌تر در گروه‌های سنی، این مساله روشن می‌گردد که میزان خالص ازدواج در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال به مرور تا سال ۹۰ افزایش و پس از آن کاهش یافته است و این عامل اصلی در تغییر روند ازدواج طی سالیان اخیر است. به عبارتی عامل اصلی در نزولی بودن روند ازدواج پس از سال ۹۰، کاهش سهم ازدواج در گروه‌های سنی جوان‌تر است. این امر در نهایت منجر به کاهش میزان خالص ازدواج نیز شده است.

گزارش روند طلاق در ایران

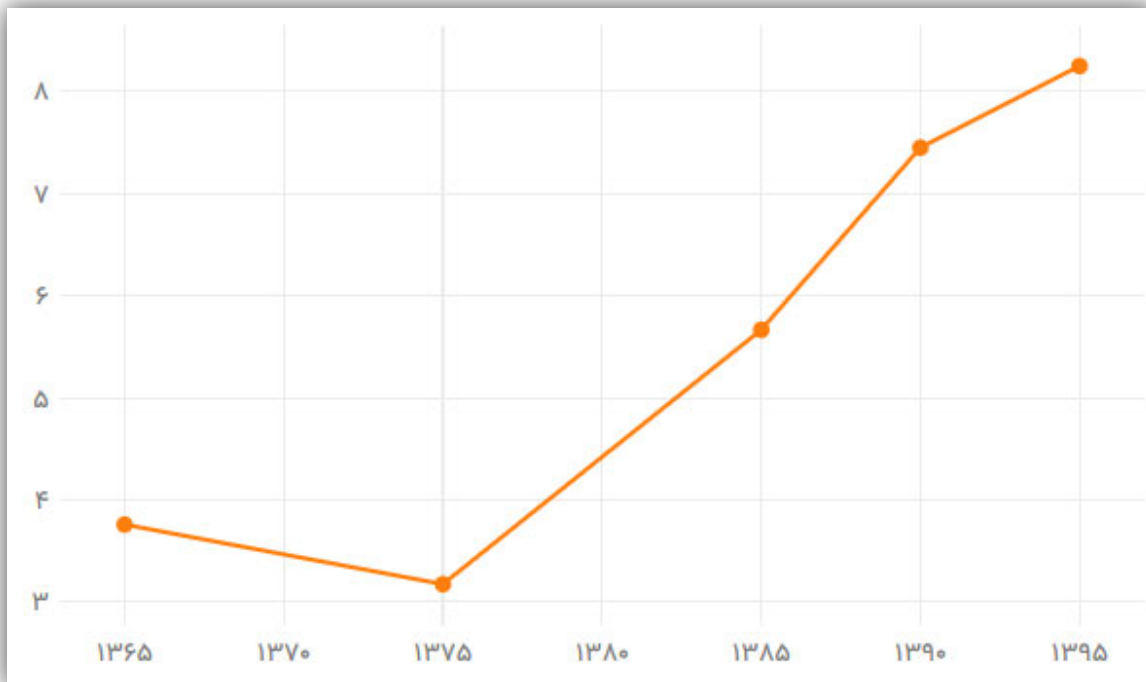
همانند ازدواج، میزان طلاق را نیز به سه صورت می‌توان گزارش نمود:

- میزان خام طلاق یا تعداد طلاق‌های صورت گرفته
- میزان عمومی طلاق یا تعداد طلاق‌های صورت گرفته در هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت کشور
- میزان خالص طلاق یا تعداد طلاق‌های صورت گرفته در هر ۱۰۰۰ زن متاهل در کشور

مشابه استدلالی که در بخش قبل صورت گرفت، بهترین شاخص برای توصیف روند طلاق، شاخص میزان طلاق خالص یا طلاق بازتعریف‌شده یا طلاق متاهلین است. این شاخص، صرفاً تغییرات جمعیتی جامعه در معرض طلاق؛ یعنی افراد متاهل را در گزارش میزان طلاق در نظر گرفته است و به سایر جوامع کاری ندارد. طبق قرارداد، جامعه در معرض طلاق، زنان متاهل هستند.

نمودار زیر روند خالص طلاق را در کشور طی ۳۰ سال گذشته بر اساس آمار ثبتی نشان می‌دهد:

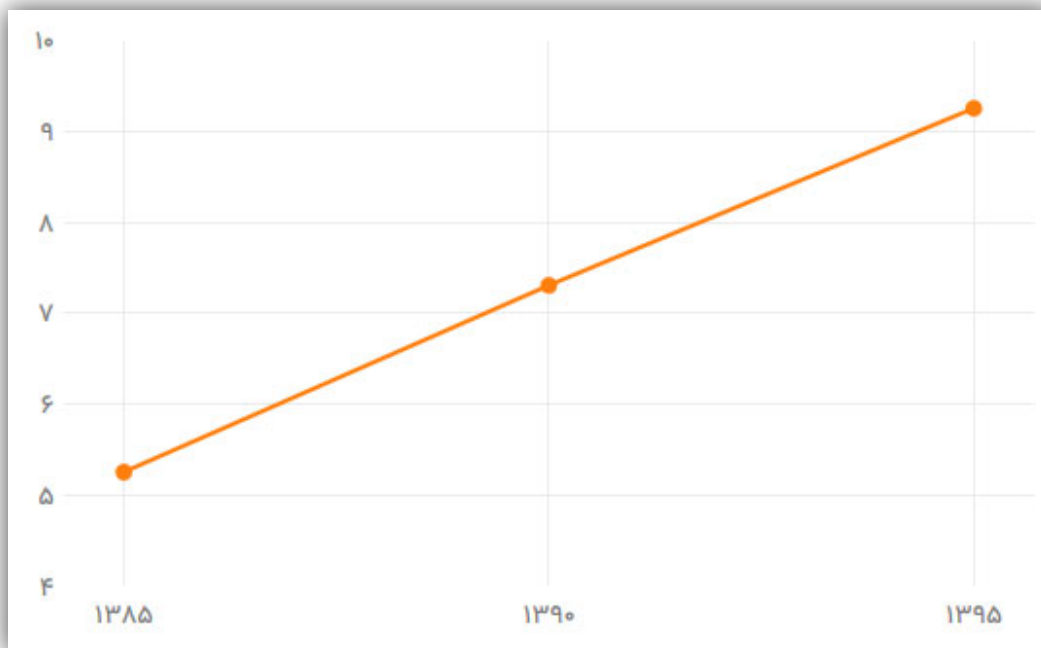
۳ این گروه سنی عمدتاً نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان خالص ازدواج دارد، به گونه‌ای که به طور متوسط ۵۰ درصد از ازدواج‌ها و ۴۰ درصد از زنان هرگز ازدواج‌نکرده به این گروه سنی تعلق دارند.



بر اساس این نمودار میزان خالص طلاق ابتدا طی روندی نزولی از ۳٫۸ در سال ۱۳۶۵ به ۳٫۲ در سال ۱۳۷۵ رسیده است، اما پس از آن طی روندی صعودی تا سال ۱۳۹۵ به میزان ۸٫۲ طلاق در هر هزار زن متاهل افزایش یافته است.

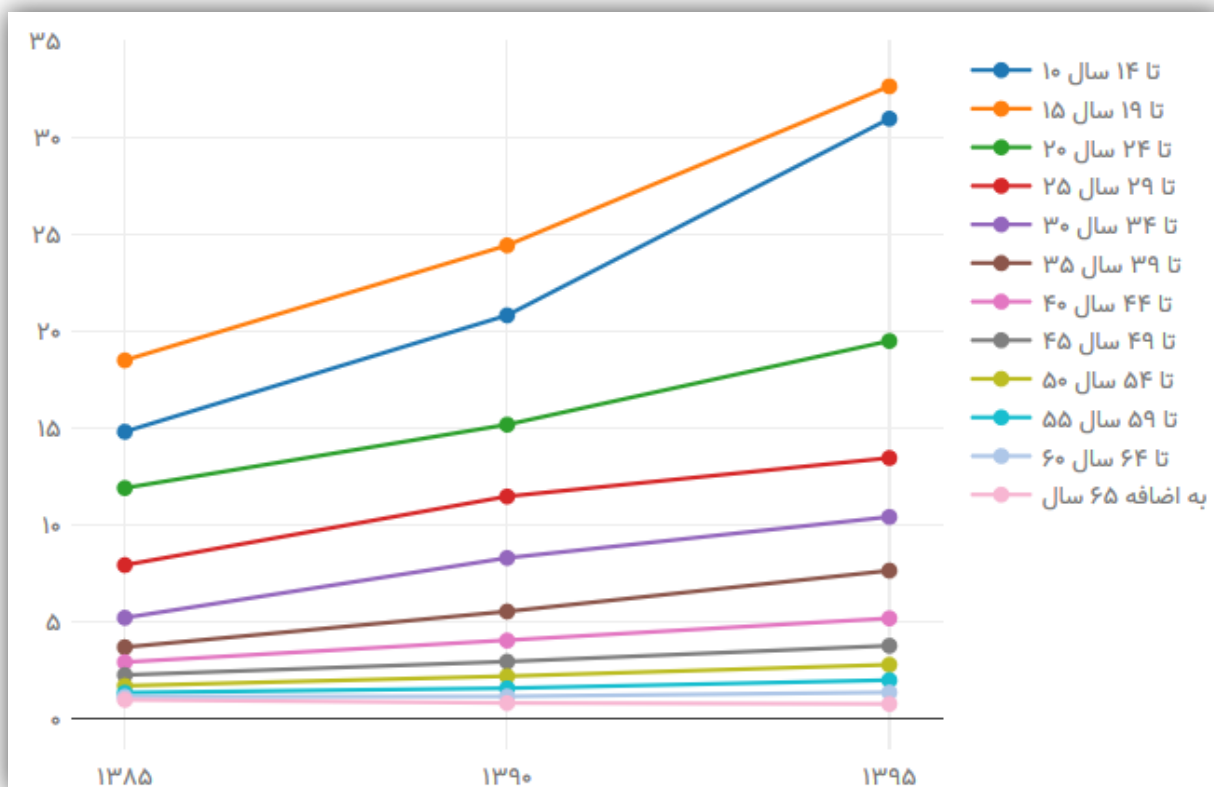
اگر بخواهیم مشابه تحلیلی که در بخش قبل ارائه شد در اینجا نیز ارائه دهیم، می توان گفت که تا زمان ورود جمعیت موالید دهه ۶۰ به چرخه ازدواج، طی سال های ۶۵ تا ۷۵، علاوه بر کاهش میزان خالص ازدواج، خالص طلاق نیز با کاهش روبرو شده است اما همزمان با افزایش میزان خالص ازدواج از سال ۷۵ به بعد، میزان خالص طلاق نیز با افزایش روبرو شده است، با این تفاوت که پس از سال ۹۰، این مقدار همچنان افزایش یافته است.

برای اینکه همانند بخش قبل، تاثیر تغییرات ساختار سنی جمعیت از روند خالص طلاق حذف شود، با انجام محاسبات آماری، بار دیگر این روند بازسازی می گردد. نمودار زیر میزان خالص طلاق را طی ۱۰ سال گذشته با حذف تاثیر ساختار سنی جمعیت نشان می دهد:



نکته جالب توجه آن است که روند خالص طلاق شیب تندتری به خود گرفته است، پس می‌توان نتیجه گرفت که روند خالص طلاق فارغ از تغییر ساختار سنی جمعیت همواره افزایش یافته است.

با بررسی دقیق‌تر در گروه‌های سنی، این مساله روشن می‌گردد که میزان خالص طلاق در همه گروه‌های سنی، طی سالیان اخیر افزایش یافته است، با این تفاوت که در گروه‌های سنی جوان‌تر، هم میزان خالص طلاق بیشتر است و هم روند افزایشی آنها شیب تندتری دارد. نمودار زیر روند خالص طلاق را در گروه‌های سنی مختلف نشان می‌دهد:



پس می‌توان نتیجه گرفت عامل اصلی در افزایش میزان خالص طلاق طی سالیان اخیر، افزایش میزان خالص طلاق در همه گروه‌های سنی به خصوص گروه‌های سنی جوان‌تر است.

بررسی نسبت طلاق و ازدواج

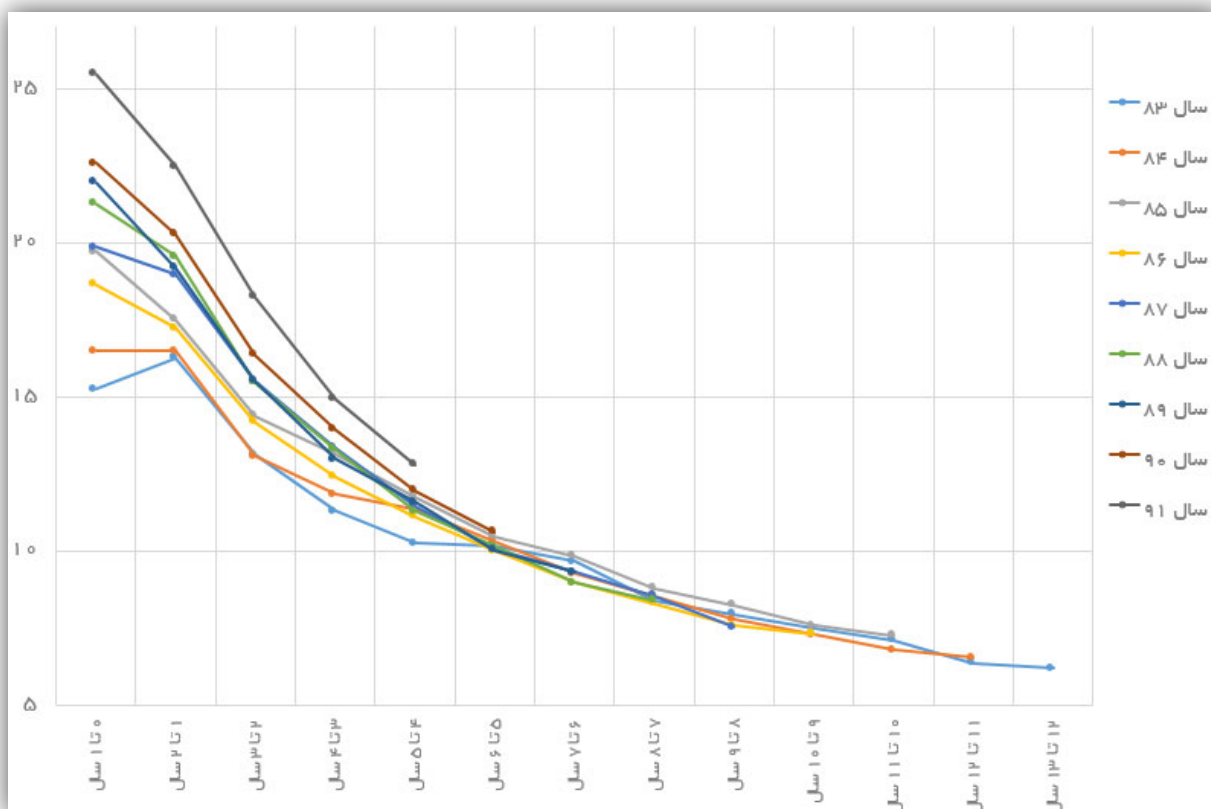
یکی از بحث‌هایی که همواره در مساله ازدواج و طلاق مطرح می‌شود، نسبت طلاق به ازدواج است. مثلاً با تقسیم تعداد ازدواج‌ها به طلاق‌های رخ داده در سال ۹۵ اینگونه بیان می‌شود که: «در سال ۹۵ از هر چهار ازدواج رخ داده یکی منجر به طلاق شده است.» این جمله برگرفته از یک فرضیه نادرست است، چراکه ازدواج‌های صورت گرفته در سال ۹۵ مربوط به همان سال است، اما طلاق‌های رخ داده در این سال مربوط به ازدواج‌هایی است که در سال‌های قبل رخ داده است.

برای اینکه بتوانیم به تخمین درستی از نسبت طلاق به ازدواج برسیم، باید مسیر ازدواج‌های رخ داده در یک سال مشخص را در همان سال و سال‌های آتی ردگیری کنیم و ببینیم به مرور چه تعدادی از آنها به طلاق منجر شده است. به عنوان مثال با ردگیری ازدواج‌های رخ داده در سال ۹۵ متوجه می‌شویم که: «کمتر از ۳ درصد از

ازدواج‌های رخ داده در سال ۱۳۹۵ در همان سال منجر به طلاق شده است.» مشاهده می‌شود که بین این جمله و جمله‌ای که در ابتدای این بخش ذکر گردید تفاوت بسیار زیادی وجود دارد.

با توجه به اطلاعات آماری موجود، می‌توان مسیر ازدواج‌های رخ داده را از سال ۸۳ تا ۹۱ ردگیری نمود. برای سال ۸۳، طلاق‌های رخ داده در همان سال تا پایان سال سیزدهم در دسترس است. برای سال ۸۴، طلاق‌های رخ داده در همان سال تا پایان سال دوازدهم و به همین نسبت برای سال ۹۱، طلاق‌های رخ داده در همان سال تا پایان سال پنجم در دسترس است.

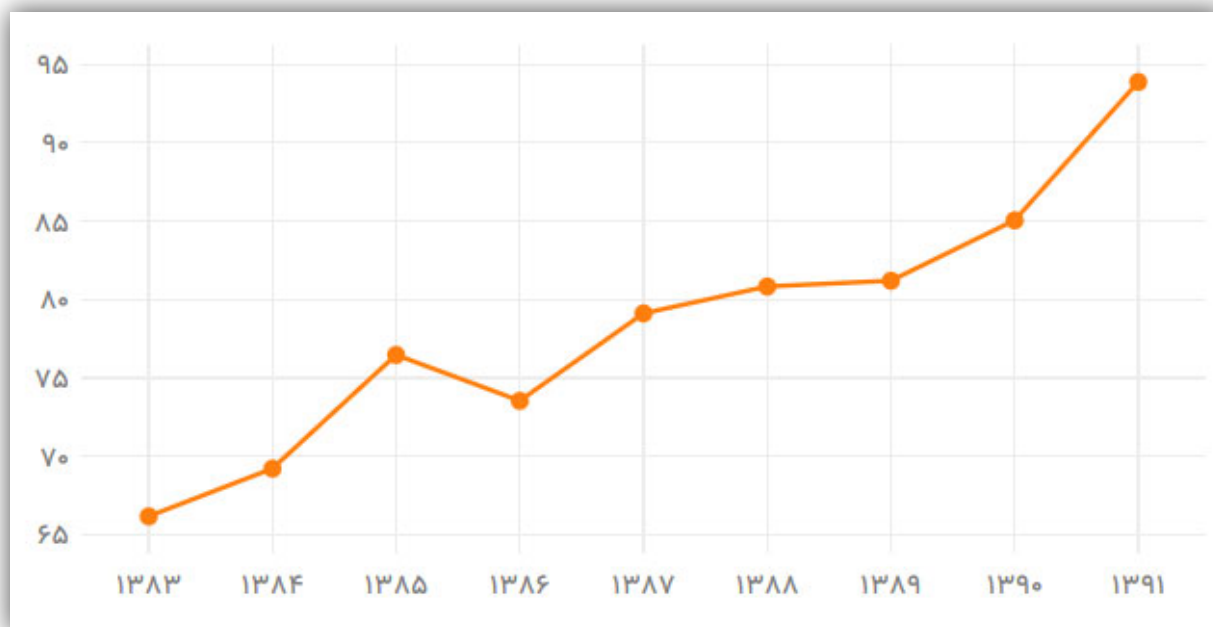
در نمودار زیر، هر روند، مسیر طلاق‌های رخ داده برای ازدواج‌های یک سال مشخص را در همان سال و سال‌های آتی بر حسب تعداد طلاق در هر ۱۰۰۰ ازدواج سال مبدا نشان می‌دهد:



با توجه به نمودار، تعداد طلاق‌های رخ داده در سال اول ازدواج به تدریج از ۱۵ به بیش از ۲۵ طلاق در هزار ازدواج طی سال‌های ۸۳ تا ۹۱ افزایش یافته است و این روند صعودی تا پایان سال پنجم نیز ادامه دارد. اما اتفاق جالبی که افتاده است آن است که پس از سال پنجم، تقریباً تمامی روندها بر هم منطبق شده و از الگوی

یکسانی پیروی می‌کنند. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که مساله اصلی در اینجا افزایش میزان طلاق در پنج سال اول ازدواج است و پس از آن عموماً ازدواج‌ها به تعادل می‌رسند.

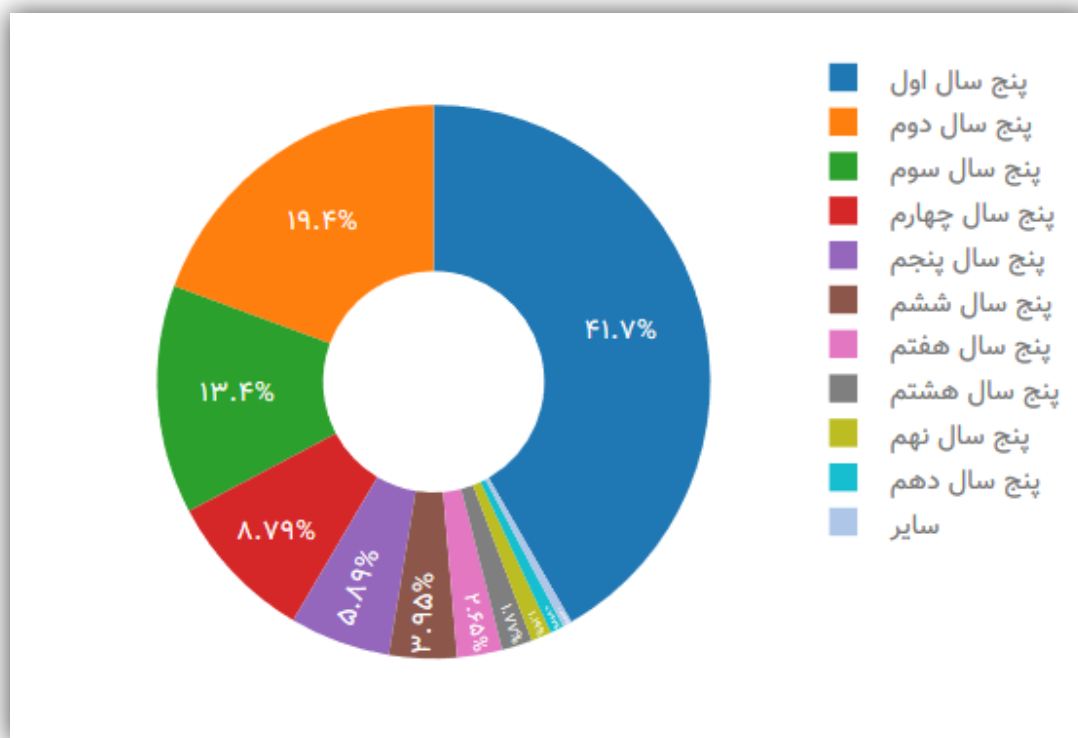
نمودار زیر روند طلاق‌های رخ داده در پنج سال اول ازدواج را طی سال‌های ۸۳ تا ۹۱ بر حسب تعداد طلاق در هر هزار ازدواج سال مبدا نشان می‌دهد:



ضرورت توجه به مساله پنج سال اول ازدواج، زمانی دو چندان می‌گردد که با انجام محاسبات آماری، می‌توان نتیجه گرفت که بیش از ۴۰ درصد از طلاق‌هایی که مبدا ازدواج آنها سال ۹۱ بوده است، در پنج سال اول ازدواج اتفاق می‌افتد.

نمودار زیر وضعیت طلاق را برای ازدواج‌های سال ۹۱ بر حسب طول مدت زندگی پس از ازدواج نشان می‌دهد. با توجه به اینکه از سال ۹۱ حداقل ۵ سال سپری شده است و اطلاعات آماری آن در دسترس است، نسبت

یادشده برای پنج سال اول قطعی است اما برای پنج سال‌های بعدی که مربوط به طلاق‌های پس از سال ۹۶ است، نسبت‌های مذکور به روش ریاضی تخمین زده شده است^۴:



مقایسه نظام آماری بر پایه ثبت و رخداد و تاثیر آن بر میزان خالص ازدواج و طلاق

در بخش پایانی این گزارش، خالی از لطف نیست که مقایسه‌ای بین نظام آماری بر پایه ثبت و رخداد صورت گیرد و تاثیر آن بر میزان خالص ازدواج و طلاق بررسی شود.

نظام آماری ثبت احوال کشور از ابتدای تاسیس تا سال ۹۵ بر پایه ثبت بوده است، اما از سال ۹۵ به بعد، طبق قانون مجلس شورای اسلامی، سازمان ثبت احوال مکلف شده است تا نظام آماری بر پایه رخداد را جایگزین نظام آماری بر پایه ثبت نموده و آمار حیاتی از جمله آمار طلاق و ازدواج را از سال ۹۲ به بعد مورد بازبینی قرار دهد.

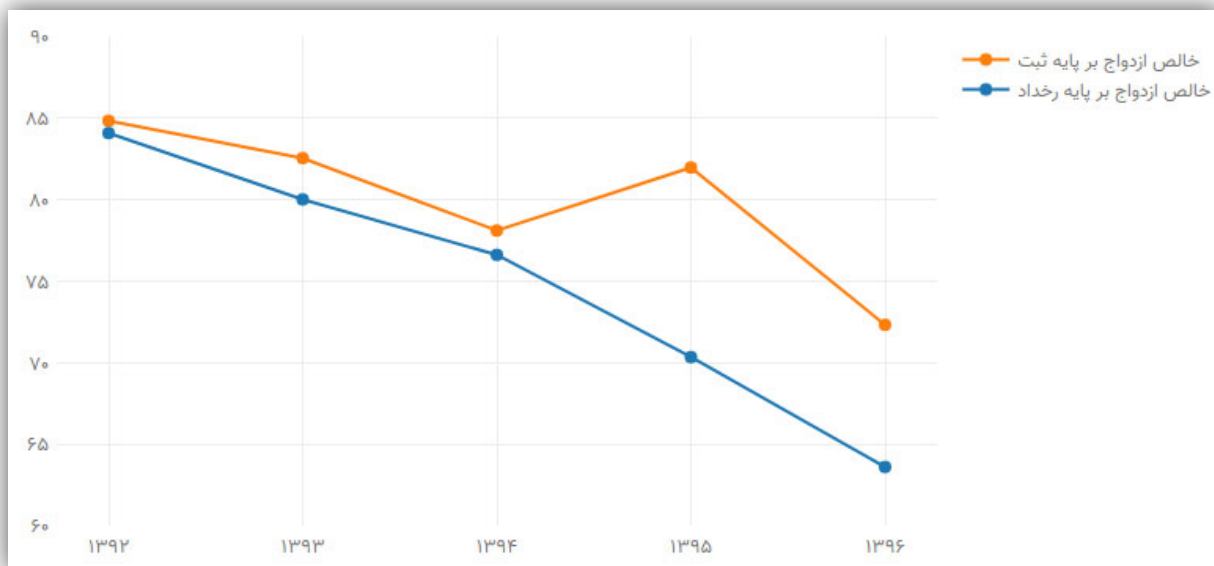
دو مشکل اساسی که در نظام آماری بر پایه ثبت وجود دارد به شرح زیر است:

^۴ شیوه محاسبه این نسبت‌ها بدین صورت است که برای پنج سال اول، از آمار مربوط به سال ۹۱ استفاده شده است. برای پنج سال دوم و سوم با فرض یکسان بودن الگوی طلاق در ازدواج‌های سال‌های مختلف، از آمار مربوط به سال ۸۳ استفاده شده است. همچنین پنج سال چهارم به بعد با استفاده از روش رگرسیون خطی تخمین زده شده است.

- آنچه در نظام آماری بر پایه ثبت اولویت دارد، تاریخ ثبت آمار حیاتی -از جمله طلاق و ازدواج- است، نه تاریخ وقوع آنها. این مساله آنجایی مشکل‌زا می‌شود که بدانیم بیش از یک چهارم آمار طلاق و ازدواج با تاخیر بیش از یک سال ثبت می‌شود و در این میان مواردی وجود دارد که ثبت آمار طلاق و ازدواج با تاخیر چندین ساله اتفاق می‌افتد.
- فرآیند ثبت در کشور ما به مرور زمان سازمان‌یافته شده و توسعه پیدا کرده است. به‌گونه‌ای که برخی از کارشناسان علت افزایش آمار طلاق را در کشور، کم‌شماری این آمار در گذشته به خاطر فراهم‌نبودن زیرساخت لازم برای ثبت دانسته‌اند، اما به مرور زمان و با توسعه‌یافتن زیرساخت‌های لازم این کم‌شماری‌ها جبران شده و آمار بیشتری ثبت شده است.

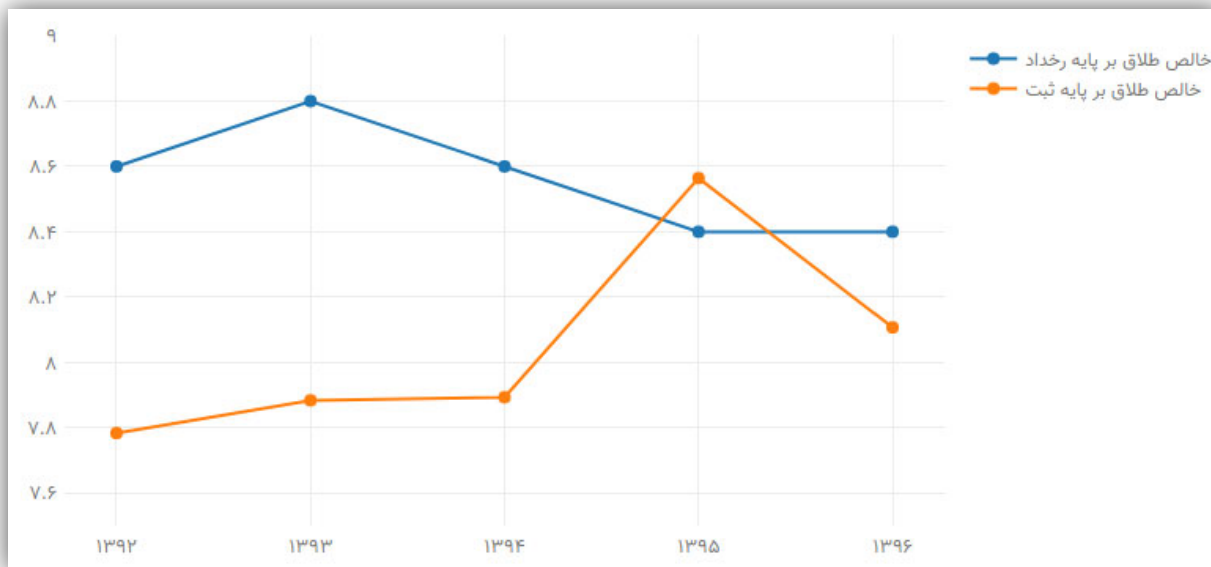
با عنایت به موارد بالا به نظر می‌رسد که نظام آماری بر پایه رخداد، در ثبت آمار حیاتی اهمیت بیشتری دارد و این مهم اگر چه دیر اما چندین سال است که در اولویت قرار گرفته است.

اما در ادامه می‌خواهیم مقایسه‌ای بین آمار بازبینی شده بر پایه رخداد و آمار بر پایه ثبت انجام دهیم. نمودار زیر میزان خالص ازدواج را بر پایه ثبت و رخداد طی سال‌های ۹۲ تا ۹۶ با هم مقایسه نموده است:



همانگونه که مشخص است، میزان روند نزولی خالص ازدواج در آمار بازبینی شده، شیب تندتری دارد و این مساله نشان از آن دارد که مساله ازدواج وخیم‌تر از چیزی است که آمار بر پایه ثبت نشان می‌دهد.

در نمودار زیر نیز میزان خالص طلاق بر پایه ثبت و رخداد، طی سال‌های ۹۲ تا ۹۶ با هم مقایسه شده است:



این نمودار نشان می‌دهد که بر پایه ثبت، میزان خالص طلاق روندی افزایشی داشته است، اما بر پایه رخداد همین میزان روندی کاهشی به خود گرفته است. به عبارتی بر خلاف تصور گذشته، وضعیت طلاق در طی چندین سال گذشته تعدیل شده است.

در نهایت اگر چه اتکا به نظام آماری بر پایه رخداد ارجحیت دارد، اما با توجه به آنکه پدیده ازدواج و طلاق، از جنس مسائلی هستند که تاثیرگذاری اقدامات اصلاحی در آنها و مشاهده نتایج آن، بعضاً نیاز به بازه‌های زمانی بیش از ۱۰ سال دارد، و آمار بازبینی شده بر پایه رخداد افقی کمتر از پنج سال دارد، بهتر است تا زمانی که این بازبینی تا افق نسبتاً مطلوبی تکمیل نشده است، همچنان نظام آماری بر پایه ثبت در اولویت باشد.